



توراه اور • پاراشاها ויחי • مامار 3

אסרי לגפן עירה ולשורקה בני אתונו

«כרה‌اش را به تاک می‌بندد و کره
ماده‌الغش را به تاک برگزیده»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayechi/3

1 اسری לגפן عירה ولشورקה بني اتونو. كبس بيڻ لښو وگو.

«کره‌اش را به تاک می‌بندد و فرزندِ ماده‌الغش را به تاکِ برگزیده؛ جامه‌اش را در شراب می‌شوید» و غیره.

הנה מקרא זה נאמר לימות המשיח דקאי אדלעיל מני [מיניה] לא יסור שבט מיהודה וגו'. עד כי יבא שילה ולו יקהת עמים ואז יהיה גם אסרי לגפן עירה:

اکنون این آیه دربارهٔ روزگارِ **مشیح** (Moshiach) گفته شده است، زیرا ادامهٔ [آیه] پیش از خود است: «عصای فرمانروایی از یهودا برنخواهد افتاد» و غیره، «تا شیلو (سילה) بیاید و مردمان نزد او گرد آیند»؛ و آن‌گاه «کره‌اش را به تاک می‌بندد» نیز تحقق خواهد یافت.

2 وביאור הענין הנה אמרז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] אין בין עולם הזה לימות המשיח אלא שעבוד בלבד

شرح موضوع چنین است: حکمای ما، که یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «میان این جهان و روزهای **مشیح** (Moshiach)، جز از حیث بندگی تفاوتی نیست.»

כי ימות המשיח אינו עוה"ב [עולם הבא] שלאחר התחיה. שזהו מתן שכרן של צדיקים. אבל ימות המשיח הוא בבחי' היום לעשותם ולא לקבל שכר.

زیرا روزهای **مشیح**، عالمِ آینده‌ای نیست که پس از رستاخیز می‌آید؛ آن‌گاه پاداشِ صالحان داده می‌شود. اما روزهای **مشیح** در مرتبهٔ «امروز برای انجام دادنِ آن‌هاست»، نه برای دریافت پاداششان.

3 ועיקר היום לעשותם ותכלית השלימות של המעשה יהיה בימות המשיח.

و اصلي [تحقیق] «امروز، برای به‌جا آوردنِ آنها» و کمالِ نهاییِ عمل، در ایامِ **مشیح** (Moshiach) خواهد بود.

וכמו שהיה עיקר עבודת האדם בג"ע [בגן עדן] לעבדה ולשמרה. לעבדה זו מצות עשה. ולשמרה זו מצות ל"ת [לא תעשה]. שהי' [שהיה] אז בחי' היום לעשותם בתכלית השלימות אלא שאח"כ ויגרש את האדם וגו'.

به همین ترتیب، خدمتِ اصليِ آدم (**آدم**) در باغِ عدن این بود که «آن را آباد کند و از آن نگهداری کند»: «آن را آباد کند» یعنی فرمان‌های ایجابی؛ و «از آن نگهداری کند» یعنی نهی‌ها. زیرا آن زمان مرتبهٔ «امروز، برای به‌جا آوردنِ آنها» در کمالِ نهایی بود؛ جز آنکه پس از آن، «او انسان را بیرون راند» و غیره.

ואח"כ נכנסו אבותינו לארץ ג"כ בשביל קיום מעשה המצות שכמה מצות התלויים בארץ דוקא כמעט ארבע הידות

پس از آن، نیاکان ما نیز به سرزمین وارد شدند تا **מצות** را در عمل به جا آورند؛ زیرا بسیاری از **מצות** به طور خاص به سرزمین وابسته اند، تقریباً چهارپنجم آنها.

ואחר כך גלו משם ולא נתקיימו בידם עד ימות המשיח שיהיה במהרה בימינו שאז יהי' [יהיה] בחי' היום לעשותם בתכלית השלימות.

و پس از آن از آنجا به تبعید رفتند و [فرمان‌ها] تا ایام **مשיח**، که به زودی در روزگار ما فرا رسد، در دست آنان به جا آورده نشد؛ آن‌گاه مرتبۀ «امروز، برای به جا آوردن آنها» در کمال نهایی خواهد بود.

4 והנה אנו אומרים ושם נעשה לפניך את קרבנות חובותינו וכו' כמצות רצונך כו'. שעיקר המעשה היא עבודת הקרבנות שאין אנו יכולים לקיים בגלות אלא שבגלות נתקנה התפלה כנגד הקרבנות. ועדיין אין זה כמצות רצונך ממש:

اکنون می‌گوییم: «و در آنجا پیشگاه تو قربانی‌های واجبان را تقدیم خواهیم کرد و غیره، مطابق فرمان ارادۀ تو» و غیره. زیرا عمل اصلی، خدمت قربانی‌هاست که در تبعید نمی‌توانیم به جا آوریم؛ بلکه در تبعید، نماز را در برابر قربانی‌ها مقرر کردند. باین حال، این هنوز حقیقتاً «مطابق فرمان ارادۀ تو» نیست.

5 ולהבין זה דלכאורה התפלה במעלה העליונה יותר מהקרבנות שהתפלה היא נשיאת נפש האדם בספור שבחיו של מקום ברוך שאמר והיה העולם וכל הללויה וכו' עד שמגיע לואהבת בכל נפשך כו'

برای فهمیدن این مطلب: زیرا ظاهراً دعا از قربانی‌ها مرتبه‌ای برتر دارد؛ چراکه دعا برکشیدنِ جانِ انسان است، آن‌گاه که ستایش‌های آن‌که همه‌جا حاضر است را باز می‌گوید: «متبارک است آن‌که گفت و جهان پدید آمد»، و همهٔ سرودهای «הללויה» (Halleluyah) [مزامیر ستایش] و غیره، تا آنجا که به «و دوست بداری... با تمام جانت» و غیره می‌رسد.

משא"כ הקרבנות הוא בנפש בהמה וביום השבת שני כבשים.

در مقابل، در قربانی‌ها جانِ یک حیوان دخیل است: «و در روزِ **שבת** (Shabbos)، دو بره.»

ולמה יהיו הקרבנות במעלה העליונה כל כך שיקראו כמצות רצונך ושזה יהי' [יהיה] תכלית השלימות של ימות המשיח יותר מהתפלה שבגלות.

پس چرا قربانی‌ها باید چنان مرتبۀ بلندی داشته باشند که «به فرمانِ خواستِ تو» خوانده شوند، و چرا این باید کمالِ نهاییِ روزگارِ **مשיח** (Moshiach) باشد، بیش از دعای دورانِ تبعید؟

הנה כתיב גפן ממצרים תסיע. שכנ"י [שכנסת ישראל] נמשלו לגפן שגדלים בה ענבי' שמהם יוצא היין ע"י דריכה בגת.

اکنون نوشته شده است: «تاکي را از مصر منتقل کردی»، زیرا جماعتِ اسرائیل به تاکي تشبیه شده است که بر آن انگور می‌روید و شراب از آن، به واسطهٔ فشردن در چرخشت، به دست می‌آید.

6 והנה עיקר היין המשובח יוצא מהענבי' [מהענבים] הסמוכי' לקרקע כמו שאמרו לגבי נסכים לא היו מביאין מן הדליות אלא מן הרגליות ששם יוצא יין משובח יותר.

اکنون، بهترین شراب عمدتاً از انگورهایی به دست می‌آید که نزدیک زمین‌اند؛ چنان‌که [حکیمان] دربارهٔ پیشکش‌های شراب گفته‌اند: [شراب] را از تاک‌های داریستی (دلיות، daliyos) نمی‌آوردند، بلکه از تاک‌های کوتاه و نزدیک زمین (רגلיות، ragliyos) می‌آوردند، زیرا شرابِ مرغوب‌تر از آنجا به دست می‌آید.

והנה היין נתחלק לכמה מינים יש יין המשמח ויש יין המשכר יש יין אדום ויש יין לבן וכך ככל המשל הזה נמשלו כנס"י [כנסת ישראל] שיש בהם אהבה מסותרת למקום כו'.

اکنون، شراب به چند نوع تقسیم می‌شود: شرابی هست که شادی می‌بخشد و شرابی که مست می‌کند؛ شرابِ سرخ هست و شرابِ سفید. به همین ترتیب، در همهٔ جزئیات این تمثیل، جماعتِ اسرائیل [به آن] تشبیه شده‌اند، زیرا در درونشان عشقی پنهان به **مקום** دارند و الی آخر.

7 וכדי להוציאה מהעלם אל הגלוי צריך להיות בבחי' רגליות דהיינו להיות בחי' נפשי כעפר לכל תהיה.

برای بیرون آوردن آن از نهفتگی به آشکاری، باید در مرتبهٔ «تاک‌های خوابیده بر زمین» (رگلיות، ragliyos) بود؛ یعنی در مرتبهٔ «بگذار جانم در برابر همگان همچون خاک باشد».

וגם דריכה בגת להיות לב נשבר ונדכה וע"י זה יוצא היין הוא בחי' האהבה מסותרת שהיתה בהעלם

و نیز باید در چَرخُشت لگدمال شد؛ یعنی دلی شکسته و کوفته داشت. از این راه شراب بیرون می‌آید؛ شرابی که مرتبهٔ عشق پنهانی است که در نهفتگی بوده است،

כי על יין אמרו כנס יין יצא סוד והיינו לפי שהיין היה ג"כ מתחלה בהעלם בענבים ואח"כ נתגלה ויצא לחוץ.

زیرا دربارهٔ شراب گفته‌اند: «شراب وارد می‌شود، راز بیرون می‌آید.» علت این است که شراب نیز در آغاز در انگورها نهفته بود و سپس آشکار شد و به بیرون آمد.

8 **وهנה באהבה יש ב' בחי'. יש מתפעל להיות שמחת ה' בלבו היא בחינת יין המשמח ובחי' יין לבן מבחי' חמר חיוריין עתיק כו'.**

اکنون، عشق دو مرتبه دارد. یکی آن است که شخص چنان برانگیخته می‌شود که شادی در ه' در دلش جای می‌گیرد؛ این مرتبه «شراب شادی‌بخش» و مرتبه شراب سپید است، که از مرتبه «شراب سپید عتیق» (حמר حیوریין عתיق, chamar chivaryan atik) است، و غیره.

ויש מתפעל להיות לו מרירות הלב מפני היותו ממארי دחושבנא מכל מחשבותיו ודבוריו ומעשיו אשר לא לה' המה ולצעוק אל ה' ולדבקה בו הוא בחי' יין אדום ویין המשכר וכו'.

و دیگری آن است که شخص برانگیخته می‌شود تا در دل احساس تلخی کند، زیرا از «ارباب محاسبه» (ممארי دחושבנא, marei d'chushbana [اهل حسابرسی]) است و همه اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای خود را که برای ه' نیستند، به حساب می‌کشد؛ و [برانگیخته می‌شود] تا به ه' فریاد برآورد و به او بپیوندد. این مرتبه شراب سرخ و شراب مست‌کننده است، و غیره.

9 **وهנה اנו اومרים בשבת וינוחו בו ישראל מקדשי שמך. ולכאורה אינו מובן הלא הוא ית' מאליו קדוש וכתוב כי קדוש אני וקדוشتי למעלה מקדושתכם.**

اکنون در شبات می‌گوییم: «و اسرائیل، که نام تو را تقدیس می‌کنند، در آن بیاسایند.» در نگاه نخست، این سخن فهمیده نمی‌شود: مگر او، که مبارک است، خودبه‌خود مقدس نیست؟ و نوشته شده است: «زیرا من مقدس هستم» و «قدوسیت من فراتر از قدوسیت شماست».

ואיך יהיה תלוי קדושתו ית' בישראל דייקא שיקראו הם המקדישים שמו. אך הענין דהנה اנו اومרים אתה קדוש وשמך קדוש וקדושים בכל يوم יהללוך סלה.

پس چگونه ممکن است قدوسیت او، که مبارک است، به‌طور خاص به اسرائیل وابسته باشد، به‌گونه‌ای که آنان تقدیس‌کنندگان نام او خوانده شوند؟ اما مطلب چنین است: ما می‌گوییم: «تو مقدسی و نامت مقدس است، و مقدسان هر روز تو را می‌ستایند، سیلاه (سلاه, selah).»

פי' קדושים בכל يوم כו' כמאמר המחזש בטובו בכל يوم תמיד מעשה בראשית שבכל يوم מתהווה מאין ליש כל מעשה בראשית.

معنای «مقدسان هر روز...» همانند این گفته است: «آن‌که به نیکویی خویش، هر روز و پیوسته، کردار آفرینش را نو می‌کند»: در تکتک روزها، تمامی کردار آفرینش از نیستی به هستی پدید می‌آید.

10 וכשהם משיגים כל יום התהוותם וחיותם מבחי' קדוש ומובדל כי עליו ית' נאמר אדון הנפלאות פי' למעלה מעלה מבחי' נפלאות כמ"ש עושה פלא.

و هنگامی که هر روز درمی یابند که پدیدآمدن و نیروی حیاتشان از مرتبه مقدس و منزّه است، زیرا درباره او، متبارک باد، گفته شده است: «سرور شگفتی ها»؛ یعنی بسیار بسیار فراتر از مرتبه شگفتی هاست، چنان که نوشته شده است: «او شگفتی می آفریند» (عوشه פלא, oseh fele).

שבחי' הפלא הוא כעשיה גשמיות אצלו ית'. כי ענין הפלא היא פליאת ההתהוו' יש מאין

زیرا مرتبه شگفتی، در نزد او، متبارک باد، همچون ساختن جسمانی (عשיה, asiyah) است؛ چراکه مقصود از شگفتی، شگفت انگیزی پدیدآمدن چیزی از نیستی است.

וראשית ההתהוו' הוא בחכמה כמ"ש והחכמה מאין תמצא.

و آغاز پدیدآمدن در حکمت (חכמה, Chochmah) است، چنان که نوشته شده است: «و حکمت از نیستی (אין, ayin) یافت می شود.»

11 וכתוב כולם בחכמה עשית שהחכמה נחשבת אצלו כעשיה גשמית שהיא בחי' סוף דרגין משכל ודבור ומחשבה ומעשה וכך החכמה נחשבת אצלו שהוא ית' למעלה מן החכמה ומרומם עד אין קץ.

و نوشته شده است: «همه را با حکمت (חכמה, Chochmah) ساختی»، زیرا حکمت نزد او همچون ساختن جسمانی (عمل عשיה, Asiyah) به شمار می آید؛ عملی که واپسین مراتب عقل، گفتار، اندیشه و عمل است. همین گونه، حکمت نزد او چنین به شمار می آید، زیرا او، که برکتش باد، فراتر از حکمت است و تا بی نهایت برتر است.

ולכן הם יהללוך סלה תמיד בעילוי אחר עילוי בלי הפסק וכל זה בבחי' ושמך קדוש כי הודו של שמו על ארץ ושמים.

ازاین رو آنان پیوسته «تو را می ستایند، سله (selah)»، [در حال صعود] از مرتبه ای به مرتبه دیگر، بی وقفه. و همه اینها در مرتبه «و نامت مقدس است» قرار دارد، زیرا شکوه نام او «بر زمین و آسمان» است.

כמ"ש כי ביה ה' צור עולמים פי' בי"ה הוא שמו הוי"ה כי הוי"ה היא גי"כ י"ה שהוי"ו מושך היו"ד כו'.

چنان که نوشته شده است: «زیرا با יה (Yah)، نام چهارحرفی (הי, Havayah) عوالم را پدید آورد.» یعنی «با יה» همان نام ה' است، زیرا [حروف] הוי"ה (heh-vav-heh) نیز י"ה (yud-heh) هستند، چون הוי"ו (vav)، היו"ד (yud) را امتداد می دهد و مانند آن.

12 וביו"ד נברא עוה"ב [העולם הבא] כנ"ל היינו עלמין סתימין דלא אתגליין עין לא ראתה אלהים זולתך

و با حرفِ یود (י"ד, yud), جهانِ آینده آفریده شد، چنانکه پیش‌تر گفته شد؛ یعنی عوالمِ پنهان (עלמין סתימין, almin sesimin) که آشکار نیستند: «چشمی ندیده است، ای ה', جز تو.»

ובה"א [ובאות ה"א] נברא עוה"ז היינו עלמין דאתגליין מה שהוא מושג ונתפס בהשגת הנבראים

و با حرفِ هی (ה"א, heh) این جهان آفریده شد؛ یعنی عوالمِ آشکار (עלמין דאתגליין, almin d'isgalyan): آنچه از راه ادراکِ آفریدگان فهمیده و دریافت می‌شود.

ואפ"י [ואפילו] ג"ע [גן עדן] העליון נק' עלמא דאתגלי' לגבי בחי' זו שהוא שם שהרי צדיקי' [צדיקים] נהנים

כו' אלא שלגבי עוה"ז השפל הגשמי נק' עוה"ב [עולם הבא] ג"ע [גן עדן] העליון. אבל לגבי עולמות עליוני'

[עליונים] נקרא בשם עוה"ז ועלמא דאתגליא מאחר שיש שם הנאה ותענוג הנשמות

حتی باغِ عدنِ علیا نیز در نسبت با این مرتبه «عالم آشکار» (עלמא דאתגלי', alma d'isgalya) خوانده می‌شود، زیرا «صالحان در آن بهره‌مند می‌شوند» و مانند آن؛ اما باغِ عدنِ علیا تنها در قیاس با این جهانِ پست و جسمانی «جهانِ آینده» خوانده می‌شود. ولی در نسبت با عوالمِ برتر، آن را «این جهان» و «عالم آشکار» می‌نامند، زیرا ارواح در آنجا بهره‌مندی و لذت دارند،

משא"כ בחי' עלמין סתימין הוא מה שאינו מושג ונתפס כלל עין לא ראתה וכו' וכל בחי' הללו הם

מבחינת שמו והודו של שמו כו'.

حال آنکه مرتبهٔ عوالمِ پنهان چیزی است که به‌هیچ‌وجه ادراک و دریافت نمی‌شود: «چشمی ندیده است» و مانند آن. و همهٔ این مراتب از مرتبهٔ نامِ او و شکوهِ نامِ اوست و مانند آن.

אבל בא"ס ב"ה עצמו לא שייך כלל זה שהוא קדוש ומובدل מגדר עלמין לגמרי ולא שייך אפילו בחי'

עלמין סתימין כו' ובחינת עלמין סתימין הם כעשיות גשמיות אצלו ית'.

اما دربارهٔ خود بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، چنین چیزی به‌هیچ‌وجه صدق نمی‌کند؛ زیرا او قدوس است و به‌کلی از سنخِ عوالمِ جدا، و حتی مرتبهٔ عوالمِ پنهان نیز دربارهٔ او صدق نمی‌کند [بر او] و مانند آن. مرتبهٔ عوالمِ پنهان در نظر او، متبارک باد، همچون اعمالِ جسمانی ساختن است.

13 וכמאמר אדון הנפלאות. וכמ"ש עושה פלא. ומה שקדושים בכל יום יהללוך סלה הוא בבחי' ושמך קדוש בלבד והיינו כי משם נמשך קדושתם ומהללים להתכלל ולהבטל במקורם.

همانگونه که در تعبیر «سرور شگفتی‌ها» آمده است و چنان‌که نوشته شده: «شگفتی می‌آفریند». و اینکه «مقدّسان هر روز تو را می‌ستایند، سله (selah)»، تنها در مرتبه «و نامت مقدس است» قرار دارد؛ یعنی قداستشان از آنجا سرچشمه می‌گیرد و می‌ستایند تا در سرچشمه خود جذب شوند و در آن به خودنهی‌گری (بی‌سول، bittul) برسند.

أبـل یسـرأـل هـم مـکـدشـی شـمـך کـی هـنـه بـا تـعـدـل"ت [بـا تـعـرـو تـا د ل ت تـا] **تـلـو ی ا تـعـدـل"ع** [ا تـعـرـو تـا د ل ع ی لـا] **لـه یـو ت**
هـتـلـبـشـو ت ا"ס ב"ה **ב ח כ מ ה** **ו ח ס ד** **ל ה ח یו ت** **ו ل הו ت** **ע ל מ ין** **ס ת י מ ין** **ו ע ל מ ין** **ד א ת ג ל י ין** **ו ה י י נ ו** **א ק"ב** [א ש ר
ק د ש נ ו ב م צו ת ין] **מ מ ש** **ה ק ב"ה** **מ נ י ח** **ת פ י ל ין** **כ ו'.**

اما اسرائیل همان کسانی‌اند که «نامت را تقدیس می‌کنند»، زیرا برانگیختگی از بالا (ا ت ع ر و ت ا د ل ع ی ل ا، isarusaleila) به برانگیختگی از پایین (ا ت ع ر و ت ا د ل ت ت ا، isarusaleilata) وابسته است؛ یعنی اینکه بی‌نهایت مطلق (ا ی ن س و ف، Ein Sof)، که مبارک است، در حکمت (ح ک م ه، Chochmah) و مهر (ح س د، Chesed) پوشیده شود تا به عوالم نهان و عوالم آشکار حیات ببخشد و آن‌ها را به وجود آورد. و این همان معنای «که ما را با فرمان‌هایش مقدس ساخته است» است؛ به معنای دقیق کلمه: «قدوس متبارک (ق ب"ه / کودش ا ب ر ی د ه و ا، Kudsha Brich Hu) تفیلین (ت ف ی ل ی ن، tefillin؛ جعبه‌های چرمی آیینی) می‌بندد» و جز آن.

14 **ו ע"י ה נ ח ת ת פ ל ין** **ל מ ט ה** **מ ת ע ו ر ר** **ק ד ו ש ה** **ה ע ל ی ו נ' ש ל מ ע ל'י** [ש ل م ע ل ه] **ل ה یو ت** **ש ו ر ه** **ו م ת ل ב ש** **ב ת وך** **ע ل מ ין.**
ו ק د ו ש ه **ז ו** **ה ی א** **מ ב ח י' א و א"ס** [ا و ر ا ی ن س و ف] **ب"ה** **ب ع צ م و** **و ب ک ب و د و** **س ل م ع ل ه** **م گ د ر** **ع ل م ی ن**

با بستن تفیلین (ت ف ی ل ی ن، tefillin [دو جعبه چرمی آیات تورات]) در پایین، قداست برین در عالم بالا برانگیخته می‌شود تا بر عوالم قرار گیرد و درون عوالم متلبس شود. و این قداست از مرتبه نور بی‌پایان (ا و ر ا ی ن س و ف، Or Ein Sof)، تبارک و تعالی، در ذات و جلال خود اوست؛ مرتبه‌ای که فراتر از مقوله عوالم است.

ב ח י' א ת ה **ק ד ו ש** **ש ه و ا** **א ד ון** **ה ن פ ل א و ت** **ל م ע ل ه** **م ע ل ه** **מ ב ח י נ ת** **פ ל י א و ت** **ח כ מ ה** **ש מ א ی ن** **ת מ צ א** **כ ی** **ה מ צו ת** **הן**
הן **ר צו נו** **י ת' ו ב ח י' מ ד ر ג ת** **ה ר צוץ** **ה و ا** **ה ג ב ه** **ל م ע ل ه** **מ א د** **מ ב ח י' ח כ מ ه.**

[این] مرتبه «تو قدوسی» است، یعنی «سرور شگفتی‌ها»، بسیار بسیار فراتر از مرتبه شگفتی‌های حکمت (ح ک م ه، Chochmah) که «از هیچ یافت می‌شود»؛ زیرا فرمان‌ها (م צ و ت، mitzvos) اراده خود او، تبارک و تعالی، هستند و مرتبه اراده بسیار بسیار برتر از مرتبه ح ک م ه است.

15 ולכן הם מקדישי' ומרוממים שמך שבהם ועל ידם נתעלה בחי' שמו בקדושת אור א"ס ב"ה עצמו.

بنابراین، آنان نام تو را تقدیس و رفعت می‌بخشند، زیرا در آنان و به واسطه آنان، مرتبه نام او به قداست خود نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، ارتقا می‌یابد.

וזהו יפה שעה אחת בתשובה ומע"ט [ומעשים טובים] בעוה"ז מכל חיי עוה"ב [עולם הבא] שהם מבחינת שמו ית' בלבד. אבל ע"י המע"ט [המעשים טובים] ממשיכים קדושת אור א"ס ב"ה בעצמו כנ"ל:

این [معناي] «یک ساعت بازگشت (تשובה، teshuvah) و اعمال نیک در این جهان، بهتر از تمام حیات جهان آینده است»؛ جهانی که حیاتش تنها از مرتبه نام او، متبارک باد، سرچشمه می‌گیرد؛ اما از طریق اعمال نیک، قداست خود نور بی‌پایان، متبارک باد، را از بالا فرومی‌آورند، چنان‌که در بالا توضیح داده شد.

16 והנה מן המצות נעשה לבושים לנפש כמ"ש בזוהר ע"פ ואברהם זקן בא בימים באיננו יומין עילאין דאיננו לבושים כנ"ל.

اکنون، از فرمان‌ها (מצות، mitzvos) برای نفس جامه‌هایی ساخته می‌شود، چنان‌که در زوهار (Zohar، زهر، درباره آیه «و ابراهیم (آברהام، Avraham) سالخورده شد و به روزها درآمد» آمده است: «با آن روزهای برین که جامه‌ها هستند»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

והיינו לפי שע"י המצות ממשיך אור מקיף מבחי' סובב כל עלמין לכן נעשה לבוש לנשמתו שתהיה נפשו צרורה בצרור החיים את ה' וכו'.

علت این است که به واسطه فرمان‌ها، نور فراگیر (اور מקיף، Or Makif) از مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (سوبب کل עלמין، sovev kol almin) فرود آورده می‌شود؛ از این رو، آن نور برای نفس او جامه‌ای می‌شود تا نفسش «در پیوند حیات با ه' بسته باشد» و الی آخر.

אך הנה אמרו אפילו פושעי ישראל מלאים מצות כרמוז ומ"מ אין ממשיכין כלום. אלא הענין הוא שהמשכת קדושה העליונה הוא ע"י שמחה של מצוה דוקא וכדכתיב תחת אשר לא עבדת את ה' אלקיך בשמחה.

اما [حکیمان] گفتند که حتی گناهکاران اسرائیل نیز به اندازه اناری از فرمان‌ها پرند، و با این حال هیچ چیز را فرود نمی‌آورند. بلکه نکته این است که فرودآوردن قداس برین، مشخصاً از راه شادی یک فرمان (מצוה، mitzvah) صورت می‌گیرد، چنان‌که نوشته شده است: «از آن رو که با شادی به ه' اלקیך خدمت نکردید.»

17 והשמחה היא מצד התבוננות מזה עצמו איך שהמצות הם בחינת אור א"ס ב"ה עצמו בחי' אדון הנפלאות וכו'.

و شادی از تأمل در همین امر سرچشمه می‌گیرد: اینکه فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) مرتبه نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، خود او، که متبارک باد، هستند؛ مرتبه «سرور شگفتی‌ها» و غیره.

ולזה ישמח לבו בקיום המצות אשר קדשנו במצותיו ממש והוא בחי' חמר חוריין עתיק שהוא בחי' ענג העליון להתענג על ה' ממש.

ازاین‌رو، دلش در اجرای **מצוות** شاد می‌شود، [زیرا او] «ما را به وسیله فرمان‌هایش تقدیس کرده است»، به معنای کاملاً لفظی. این مرتبه «شراب سفید کهن» (حמר حוריין عתיק, chamar chivaryan atik) است؛ همان مرتبه لذت برین: اینکه انسان حقیقتاً در **ه'** لذت ببرد.

אך צריך לעורר מתחלה בנפשו בחי' יין אדום ויין המשכר שהוא בחי' גבורות קדושות כדי לאתהפכא חשוכא לנהורא ומרירו למיתקא שאז יתענגו על ה' בתענוג המשכת אוא"ס [اور אין סוף] ב"ה

اما نخست باید در نفس خود مرتبه شراب سرخ و شراب مست‌کننده را برانگیزد؛ این همان مرتبه قید و سخت‌گیری‌های مقدس (گבורות, gevuros) است، تا تاریکی را به نور و تلخی را به شیرینی بدل کند؛ زیرا آن‌گاه با لذت فرودآوردن نور بی‌پایان، که متبارک باد، در **ه'** لذت خواهند برد.

כי התענוג הוא שייך אחר מילוי הרצון שכשנתמלא רצונו וחפצו מה שהיה חושק ומתאוה אז יתענג

زیرا لذت پس از برآورده‌شدن اراده پدید می‌آید: هنگامی که اراده و خواست او – همان چیزی که مشتاق و آرزومندش بود – برآورده شود، آن‌گاه لذت می‌برد،

משא"כ אם לא היה לו תשוקה כ"כ [כל כך] אין התענוג אצלו כ"כ [כל כך] גם בהיות אצלו הדבר ההוא ולכן צריך לעורר תחלה בחינת גבורות על הירידה אשר רחוק מה' בתכלית.

اما اگر اشتیاقش چندان بزرگ نبود، حتی هنگامی که آن چیز را در اختیار دارد، لذتش نیز چندان بزرگ نیست. ازاین‌رو باید نخست مرتبه **گבורות** را درباره نزول برانگیخت؛ [در] این معنا که او به‌غایت از **ه'** دور است.

18 ובפרט כאשר יהי' [יהיה] ממארי דחושבנא מן המעשים ודבורים והמחשבות אשר לא לה' המה. וישו

אל ה' וירחמהו וכמאמר אלהי עולם ברחמיך הרבים כו' וכמ"ש במ"א

و به‌ویژه هنگامی که شخص از اهل محاسبه اعمال، گفتارها و اندیشه‌هایی باشد که از آن ه' نبوده‌اند. «به سوی نام چهارحرفی (ה', Havayah) بازگردد و او بر او رحمت آورد»؛ و چنان‌که در این عبارت آمده است: «ای ه' ازلی، به رحمت فراوانت»، و مانند آن؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

ואזי תהי' [תהיה] שמחת הנפש בקיום המצות ביתר שאת כי כל שתגדל התשוק' [התשוקה] והצמאון מחמת

ריחוק מקום מצד הגוף כך תגדל שמחת הנפש מצד המשכ' אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה בקיום המצות

והתענגו על ה' במילוי רצונה וחפצה

و آن‌گاه شادی جان در به‌جا آوردن فرمان‌ها (מצוות, mitzvot) «به‌مراتب فزون‌تر» خواهد شد؛ زیرا هرچه اشتیاق و تشنگی، به سبب دوری‌ای که از جانب جسم پدید آمده است، بیشتر شود، شادی جان نیز از فرود آوردن نور بی‌پایان (اور אין سוף, Or Ein Sof)، او متبارک باد، در به‌جا آوردن فرمان‌ها، و [از] لذت‌بردنش در ه'، با برآورده شدن اراده و خواستش، بیشتر خواهد شد.

וז"ש [וזהו שכתוב] זאת נחמתי בעניי כי אמרתך חייתי וכמאמר כי הם חיינו ואורך ימינו כו' ואין לערב

שמחת הנפש בעצבון הגוף וכו'.

این است [معنای] آنچه نوشته شده است: «این است تسلی من در رنج، زیرا کلامت به من زندگی بخشیده است»؛ و چنان‌که در این عبارت آمده است: «زیرا آن‌ها زندگی ما و درازی روزهای ما هستند»، و مانند آن. و نباید شادی جان را با اندوه جسم درآمیخت، و مانند آن.

אך כדי להוציא בחי' יין הנ"ל צריך לשית עצות בנפשו להיות בבחינת ונפשי כעפר לכל תהיה מן

הרגליות וכו'. ועל ידי דריכה ברגלים בגת שהיא בחינת לב נשבר ונדכה כו'.

اما برای بیرون آوردن مرتبه شرابی که پیش‌تر یاد شد، باید در جان خویش تدبیر کند تا در مرتبه «و جانم در برابر همگان چون خاک باشد» قرار گیرد؛ [چنان‌که در شراب] از تاک‌های نزدیک به زمین (רגلیوت, ragliyos)، و مانند آن. و نیز از رهگذر لگد مال کردن با پاها در چرخش، که مرتبه دلی شکسته و خرد شده است، و مانند آن.

19 והנה כנגד ב' בחינות יין הנ"ל כך נמשך ב' בחינת לבושו. וזהו כבס ביין לבושו שיהיו לבושי המצות

מכובסים עד"מ כמו בגד המכובס מן הלכלוך כך הנה אפי' [אפילו] פושעי ישראל מלאים מצות כו'.

اکنون، در برابر دو مرتبه از شرابی که پیش‌تر یاد شد، دو مرتبه از جامه‌ها نیز نازل می‌شود. این [معنای] «جامه‌اش را در شراب شست» است: یعنی جامه‌های מצוות (mitzvot؛ فرمان‌های الهی) شسته شوند؛ به‌مثابه جامه‌ای که از چرک شسته شده باشد. همین‌طور، حتی گناهکاران اسرائیل سرشار از מצוות هستند و الی آخر.

20 ואעפ"כ [ואף על פי כן] **את פושעי' [פושעים] נמנו שלבושי המצות שלהם הם מלובשי' [מלובשים] בלבושים צואים שלהם משא"כ ע"י בחי' יין ושמחה של מצוה נעשה בחי' כבוס לבוש והתפשטות מלבושי' [מלבושיה / מלבושים] שבנוגה להתענג על ה' לבדו.**

و بااین‌همه، آنان «با خطاکاران شمرده شدند»، زیرا جامه‌های فرایضشان (מצות, mitzvos) در جامه‌های آلوده خودشان پوشیده است. اما از طریق مرتبه شراب و شادی یک מצוה (mitzvah)، مرتبه شستن جامه و از تن درآوردن جامه‌های نوگا (نوغا, Nogah؛ قلمرویی که نیکی و بدی در آن آمیخته‌اند) پدید می‌آید، تا تنها از ه' لذت ببرند.

וע"י בחי' دم ענבים הוא בחי' יין אדום שהוא ענין התגברות הנפש לאהפכא חשוכא לנהורא והמרירות על ריחוקו מאור פני ה' ונק' دم לפי שצריך יגיעת הנפש ویגיעת בשר بنפשו דמו.

و از طریق مرتبه «خون انگور»، که مرتبه شراب سرخ است؛ یعنی غلبه نفس بر [خویشتن] برای تبدیل تاریکی به نور، و تلخی از دوری او از نور چهره ه'. این را «خون» می‌نامند، زیرا به رنج نفس و رنج تن نیاز دارد؛ با جان خود، با خون خود.

אך מ"מ נק' دم ענבים בחי' יין שצ"ל ע"י בחי' שמחה שהיא בחי' התבוננות מצד גדולת ה' א"ס ב"ה וישוב אל ה' וירחמהו.

بااین‌حال، باز هم «خون انگور» نامیده می‌شود، یعنی مرتبه شراب؛ زیرا باید از طریق مرتبه شادی پدید آید، که همان مرتبه تأمل در عظمت ه'، بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof) – که متبارک باد – است: «و به ه' بازگردد، و او بر او رحمت آورد.»

21 וירחמהו דייקא דהיינו על ניצוץ אלהי' [אלהות] שבו איך ירד פלאים מטה מטה כמ"ש במ"א

«و بر او رحمت خواهد آورد»؛ و این به‌طور خاص یعنی بر جرقه الوهیت درون او، بر اینکه چگونه به‌طرزی شگفت‌آور، پایین و پایین‌تر فرود آمده است؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده.

וע"ז נעשה בחי' סותו פי' סותו מלשון מסוה הוא כסוי הראש והפנים שיש ב' בחינות לבושין לבוש הגוף ע"ד משל ולבוש הראש והפנים ע"ד משל.

و از این راه، مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) «ردای او» (סותو, suso) پدید می‌آید. توضیح آنکه **סותו** با واژه «پوشش چهره» (ماسوه, masveh) پیوند دارد؛ این واژه به پوششی برای سر و چهره اشاره می‌کند. زیرا دو مرتبه از جامه وجود دارد: جامه‌ای برای بدن، به‌صورت تمثیلی، و جامه‌ای برای سر و چهره، به‌صورت تمثیلی.

22 והנה ע"י בחי' יין המשמח נמשך בחי' לבוש לבחי' הגוף של הנפש שהוא בחי' לבושי מדות הנפש

אהבה ויראה כו'

اکنون، به واسطه مرتبه / جنبه (بחינה, bechinah) «شرابی که شادمان می‌کند»، پوششی برای בחינה بدن نفس فرود می‌آید؛ بدن نفس، בחינה پوشش‌های صفات عاطفی (مדות, middos) نفس، یعنی عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah)، و مانند آن است؛

أبل ع"י בחי' دم عنבים نמשך לבוש לבחי' הראש והפנים של הנפש והוא בחי' رایה وشمיעה.

اما به واسطه בחינה «خون انگورها»، پوششی برای בחינה سر و چهره نفس فرود می‌آید، و آن בחیנה بینایی و شنوایی است.

23 וכמ"ש הביטו אליו ונהרו וגו'. וכי אפשר להסתכל בשכינה כו' אלא היינו לאסתכלא ביקרא דמלכא כו'

چنان‌که آمده است: «به سوی او نگرستند و نورانی شدند»، و الی آخر. اما آیا می‌توان به حضور الهی (שכינה, Shechinah) نگرست، و الی آخر؟ بلکه مقصود این است: «به شکوه پادشاه نگرستن»، و الی آخر.

והענין כמאמר רז"ל [רבوتינו זכرونם לברכה] במקום שבע"ת [שבעלי תשובה] עומדים כו' כי צדיקים גמורים ע"י

שמחה של מצוה והתענגם על ה' ממשיכים ענג העליון למעלה למטה

نکته این است، چنان‌که حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، فرموده‌اند: «در جایگاهی که بازگشت‌کنندگان (בעלי تשובה, baalei teshuvah) می‌ایستند»، و الی آخر. زیرا صالحان کامل، به واسطه شادی یک فرمان الهی (מצוה, mitzvah) و لذت‌بردن از ه'، لذت برین را از بالا به پایین فرومی‌کنند،

أبل הבעל תשובה ע"י התגברותו על הרע שבנפשו במסירת נפש היא בבחי' הסתלקות מלמטה למעלה

كדרך הגבורות ورשפי אש כו'. ולכן נעשה לבוש לנשמתו ג"כ למעלה על בחי' ראש הנ"ל:

اما فردِ بازگشته (בעل تשובה, baal teshuvah)، با چیره‌شدن بر بدی درونِ روحش از راه فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh)، در مرتبه صعود از پایین به بالاست؛ به شیوه قوای قید و سخت‌گیری (הגבורות, gevuros) و «شراره‌های آتش»، و الی آخر. از این رو، در بالا نیز پوششی برای روح او پدید می‌آید، بر مرتبه سرِ یادشده.

24 והנה זהו כל עבודתנו בקיום המצות בזמן הזה להמשיך לנפש שתתעלה בעילוי אחר عילוי לאור באור

א"ס ב"ה ותהיה הנפש צרורה כו'.

اکنون همه کارِ بندگی ما در به‌جا آوردن فرمان‌های توراتی (מצוות, mitzvot) در این زمان، فروفرستادن [نور] به نفس است تا از عروجی به عروجی دیگر برآید، به نور بی‌پایان (أور אין סוף, Or Ein Sof) روشن شود – متبارک باد او – و نفس نیز «پیوندخورده» باشد و الی آخر.

אבל תכלית השלימות של ימות המשיח בקיום המצות ומעשה הקרבנות שיהיו הקרבנות כבשים ופרים וכז' ג"כ נכללים ומתעלים בעילוי אחר עילוי באור א"ס ב"ה.

اما کمالِ نهايي ايام مשיח (Moshiach)، در به جا آوردن میتسووت و در عمل قربانی‌ها، این است که خود قربانی‌ها – بره‌ها و گاوها و مانند آن – نیز در نور بی‌پایان – متبارک باد او – گنجانده و از عروجی به عروجی دیگر بالا برده شوند.

אך בזמן הגלות אי אפשר לנפש האדם להעלותם ולקשרם במקורם מאחר שהיא מקושרת בעצמה למטה.

اما در دورانِ تبعید، نفسِ انسان نمی‌تواند آن‌ها را بالا ببرد و به سرچشمه‌شان پیوند دهد، زیرا خودِ نفس به پایین پیوند خورده است.

אבל לימות המשיח שיקויים ונגלה כבוד ה' וראו כל בשר וגו'. שנשמות ישראל יהיו במעלה אז יהיה זמן קיום המעש' [המעשה] והעלאת ניצוצות שנפלו אפילו הבהמות.

اما در ايام مשיח، هنگامی که این سخن تحقق یابد: «و جلالِ ה' آشکار خواهد شد و همهٔ بشر خواهند دید»، و مانند آن، زیرا ارواحِ اسرائیل در مرتبه‌ای بلند خواهند بود؛ آن‌گاه زمانِ انجامِ عمل و بالا بردنِ جرقه‌هایی خواهد بود که فرو افتاده‌اند، حتی در حیوانات.

25 וכמו שהיה בתחלת בריאת העולם שקודם שנבר' [שנברא] אדם הראשון נא' [נאמר] ואדם אין לעבד את האדמה וגו'.

چنین بود در آغاز آفرینش جهان: پیش از آنکه آدم نخستین (آدم הראשון) آفریده شود، گفته شده است: «و انسانی (آدم، adam) نبود تا زمین را کشت کند» و غیره.

ואח"כ נעשה אדם ויניח'ו בג"ע [בגן עדן] לעבדה ולשמרה. אלא שאח"כ ויגרש את האדם וגו' כלומר שלא הי' [היה] בבחי' אדם והוצרך לילך ולתקן נפשו.

پس از آن، انسان پدید آمد و «او را در باغ عدن نهاد تا آن را کار کند و از آن نگهداری کند». اما سپس «انسان را بیرون راند» و غیره؛ یعنی او در مرتبهٔ آدم نبود و ناگزیر شد برود و نفسِ خود را اصلاح کند.

26 ושלמות בחי' אדם הוא בזמן המשיח שנאמר עליו הנה ישכיל עבדי ירום ונשא וגבה מאד מא"ד הוא אותיות אד"ם.

و کمال مرتبة آدم (آدم، adam؛ [انسان]) در روزگار مשיח (Moshiach) خواهد بود؛ درباره او گفته شده است: «اینکه، بنده من کامیاب خواهد شد؛ او سرافراز و برافراشته خواهد شد و بسیار بلندمرتبه خواهد بود.» «بسیار» (מאד، me'od؛ [بسیار]) از همان حروف آدم (آدم، adam؛ [انسان]) ساخته شده است: «بسیار» با حروف میم، الف و دالت، و «آدم» با حروف الف، دالت و میم.

וכן ראשי תיבות אד"ם דו"ד משי"ח שבזמן ימות המשיח נשלם בחינת אדם ואזי הוא זמן היום לעשותם זמן קיום המצות בשלמות שיהיה הקרבת קרבנות כמצות רצונך.

همچنین، حروف آغازین آدم (آدم) نشان‌دهنده آدم، داوود (دود) و مשיח است. زیرا در روزگار ایام مשיח، مرتبة آدم به کمال می‌رسد؛ آن‌گاه زمانی «امروز، روز انجام آن‌هاست» فرا می‌رسد: زمانی به‌جاآوردن מצות (mitzvos؛ [فرمان‌ها]) به‌طور کامل، هنگامی که قربانی‌ها «مطابق فرمان اراده تو» تقدیم خواهند شد.

משא"כ בזמן הגלות אין עשיית המצו' [המצות / המצוה] כרצונך ממש אלא לעילוי הנפש שיתקן בחי' אדם שלא יהיה ואדם אין לעבד.

اما در زمانی تبعید، به‌جاآوردن מצوت واقعاً «مطابق اراده تو» نیست، بلکه برای تعالی نفس است تا مرتبة آدم را اصلاح کند و دیگر وضعيت «و آدم نبود که کار کند» برقرار نباشد.

אבל עיקר העבודה לעבדה ולשמרה הוא בימות המשיח דוקא.

اما خدمت اصلي «کار کردن در آن و پاسداری از آن» مشخصاً در ایام مשיח است.

והתפלה שהיא בחי' נשיאת הנפש הוא כנגד הקרבנות אבל אינה בבחי' קרבנות ממש כי שם בחינת עליות כל העולמות בכלל ואפילו נפש הבהמה היורדת למטה לארץ.

و نماز، که مرتبة برکشیده‌شدن نفس است، با قربانی‌ها متناظر است؛ اما خود آن به‌راستی در مرتبة قربانی‌ها نیست، زیرا در آن‌جا [در قربانی‌ها] مرتبة عروج همه عوالم به‌طور کلی وجود دارد، حتی عروج نفیس حیوانی که به پایین، به زمین، فرود می‌آید.

27 והנה על בחינת גפן ויין הנ"ל נאמר אסרי לגפן עירה פי' שבימות המשיח שיושלם בחי' אדם אז יהיו

כלל ישראל מתעלים במעלה העליונה שיהיה בבחי' גפן ויין המשמח בשמחה של מצוה

אکنون درباره مرتبه تاک و شرابی که پیشتر یاد شد، گفته شده است: «کره‌اش را به تاک می‌بندد». مقصود این است که در روزگار مשיח (Moshiach)، هنگامی که مرتبه انسان (آدم، adam) به کمال برسد، تمام اسرائیل به والاترین مرتبه ارتقا خواهند یافت، به گونه‌ای که در مرتبه تاک و «شرابی که شادی می‌بخشد» قرار گیرند، با شادی یک فرمان (מצוה، mitzvah)؛

وگم יהי' [יהיה] اوسري اوسر یو"ד שבחי' یو"ד היא בחי' חכ' [חכמה] עילאה הוא اوسر ומקשר לבחי' גפן

همچنین «أسري» (اسري، osri؛ «بستن») نیز خواهد بود، [یعنی] «اوسر» (اوسر، oser؛ «می‌بندد») [و] حرف یود (یو"ד، yud)؛ زیرا مرتبه یود، که مرتبه حکمت برین (Chochmah، حکמה) است، به مرتبه تاک می‌بندد و پیوند می‌دهد.

(וענין החכמה הוא בחי' בטول שצ"ל בהשמח' [בהשמחה] עמ"ש ע"פ ולא נחם אלקי' דרך ארץ פלשתים

וע"פ ביום השמע"צ [השמיני עצרת]). ועי"ז יהי' [יהיה] בבחי' עירה.

(موضوع حکمت، مرتبه خودنفي گری (بیטول، bittul) است که باید در شادی حضور داشته باشد؛ بنگرید به آنچه درباره آیه «و اלקים آنان را از راه سرزمین فلسطينيان هدايت نکرد» و درباره آیه «در روز هشتم، گردهمایی» توضیح داده شده است.) و از این راه در مرتبه «عيره» (عירה، iroh) خواهند بود [کره‌اسب او / شهر او].

כי הנה עירה סובל ב' פירושים לשון עיר פרא אדם ובחי' עיר אלהים.

زیرا «عيره» دو تفسیر را برمی‌تابد: معنای «عیر» (عیر، ayir؛ کره‌اسب)، چنان‌که در عبارت «انسان، کره‌الغی وحشی زاده می‌شود» آمده است؛ و مرتبه «عیر» (عیر، ir؛ شهر)، یعنی «شهر اِلهים (Elokim)».

וביאור הדבר כי עיר פרא אדם יولد כתי' [כתיב]. פי' יولد היינו כשהמדוי' اצלو כתולדתו וטבעו שלא

נהפכו اצלو לעמוד כנגد טבעו כי זהו עבודת האדם לעמוד נגד טבעו הקשה מפני אהבת ה' ויראתו.

توضیح مطلب این است که نوشته شده: «انسان، کره‌الغی وحشی زاده می‌شود». «زاده می‌شود» یعنی صفات عاطفی او همان‌گونه‌اند که با تولد و برحسب طبیعتش بوده‌اند و در وجود او دگرگون نشده‌اند تا در برابر طبیعتش بایستند؛ زیرا خدمت انسان این است که از سر عشق به ه' و هیبت از او، در برابر طبیعت سخت خود بایستد.

משא"כ כשהטבע מסייע אין זו עבודה תמה ונקרא עיר פרא אדם

اما هنگامی که طبیعت یاری می‌کند، این خدمت تمام‌عیار نیست و او «انسان، کره‌الغی وحشی» خوانده می‌شود.

אבל כשהוא מקושר בבחי' גפן בחי' יין היוצא מן הגפן ע"י דריכה ומן הרגליות וכו' כנ"ל אזי נעשה בחי' עירה עיר ה' שהוא בחי' עיר אלהינו כמו שאמרו רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] אימתי נקרא גדול כשהוא בעיר אלהינו וגו'.

اما هنگامی که به مرتبة تاک پیوند خورده باشد، به مرتبة شرابی که از تاک با فشردن و از تاکهای روی زمین و جز آن بیرون می آید، چنان که پیشتر گفته شد، آنگاه به مرتبة عیره، یعنی شهر ه'، بدل می شود؛ همان مرتبة «شهرِ اלהינו»، چنان که حکمای ما، یادشان گرامی، گفتند: «چه هنگام بزرگ خوانده می شود؟ هنگامی که در شهرِ اלהינו باشد»، و جز این.

28 ולשרקה בני אתונו. הנה שורקה היא זמורה רכה וילדה שענביה מועטים עדיין ומעט יין היוצא ממנה
נק' שורקה נקודת שור"ק

«و کره ماده الاغش به تاک برگزیده شورکه (شورקה, sorekah)». اکنون، شورکه شاخه ای نرم و جوان است که انگورهایش هنوز اندک اندک و شراب اندکی از آن به دست می آید؛ آن را شورکه می نامند، [از] مصوت شوروک (شور"ק, shuruk).

כי הנה גפן הוא בחינת סגו"ל וגם כל נקודת גפן הוא סגו"ל

زیرا تاک (گفن, gefen) در مرتبة مصوت سگول (סגו"ל, segol) است، و نیز همه مصوت های واژه gefen سگول اند.

וכדכתי' [וכדכתיב] גפן ממצרים תסיע וגו' כסו הרים צלה פי' צלה בחי' צל כמ"ש ה' צלך דהיינו ישתחשך סתרו והוא העולה למעלה ומכסה על בחי' הרים שהם האבות.

چنان که نوشته شده است: «تاکي را از مصر منتقل کردی» و الی آخر، «کوهها با سایه آن پوشیده شدند». توضیح: «سایه آن» مرتبة سایه است، چنان که نوشته شده: «ה' سایه توسست»؛ یعنی: «او تاریکی را نهانگاه خویش ساخت»؛ و این همان چیزی است که به بالا برمی آید و بر مرتبة «کوهها» – که همان پدران اند – می پوشاند.

29 והנה האבות הם שלשה בחינת סגו"ל. וזהו בחי' גפן. אבל שורקה הוא בחי' נקודת השורק והשור"ק יש בו ג"כ ג' נקודות שבסגו"ל אלא שהם זה למטה מזה.

اینک، پدران سه گانه، در مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) واکه سگول (סגו"ל, segol) هستند؛ و این، مرتبة تاک (گفن, gefen) است. اما تاک برگزیده (شورקה, sorekah)، مرتبة واکه شوروک (شورק, shuruk) است؛ و شوروک نیز سه نقطه سگول را دارد، با این تفاوت که آن ها یکی زیر دیگری قرار گرفته اند.

כך הנה שכשהאדם הוא בבחי' התקרבות והתלהבות בכח ג' נקודות ממטה למעלה ומלמעלה למטה והממוצע וכו' וכמ"ש במ"א אזי נקרא בחי' סגו"ל.

پس چنین است که وقتی انسان در مرتبة نزدیک شدن و شور و شوق آتشین قرار دارد، به نیروی سه نقطه – از پایین به بالا، از بالا به پایین، و نقطه میانی و جز این‌ها، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است – آنگاه مرتبة بیگول نامیده می‌شود.

أبل כשהוא בבחינת ריחוק מקום אלא שהוא בבחי' הודאה כלומר שידע שהוא רחוק מה' ונעשה כפוף ומודה ואין ערב לבו לגשת מפני ביטולו נקרא בחינת שור"ק

اما وقتی در مرتبة دوری است، با این تفاوت که در مرتبة ادعان قرار دارد، یعنی می‌داند از ه' دور است، سر فرود می‌آورد و ادعان می‌کند، و دلش از خودنهی گری (بیטול, bittul) جرئت نزدیک شدن نمی‌یابد؛ او مرتبة شوروك نامیده می‌شود.

ושלש נקודות זו למטה מזו. כלומר שמשפיל עצמו מטה מטה להיות רחוק בעיניו להגיע לזה באומר מי אנכי וכו' וע"י זה נעשה מבחי' אתונו בחי' בני בחי' בן וכמ"ש بنים אתם וגו' להיות כמו ברא כרעא דאבוה.

[این مرتبه] سه نقطه دارد که یکی زیر دیگری است؛ یعنی او خود را پیوسته پایین‌تر می‌آورد، تا جایی که از نظر خودش، رسیدن به این مرتبه از او دور می‌نماید و می‌گوید: «من که هستم؟» و جز این. و از این راه، مرتبة «ماده‌الغ او» به مرتبة «پسر...» تبدیل می‌شود، یعنی به مرتبة پسر؛ چنان‌که نوشته شده است: «شما فرزندانید»، و جز این؛ تا مانند «پسر، پای پدر خویش است» باشد.

30 והנה התהפכות בחינות אלו נעשו ע"י כבס ביין וגו' כבס לשון עבר

اکنون، دگرگونی این مراتب به واسطه «او در شراب شست» و مانند آن پدید می‌آید. واژه «شست» (kibbes, کبס) در زمان گذشته است.

שתכלית השלימות של ימות המשיח ושל ימות בחינת אדם להיות בחי' עירה ובחי' בן הוא ע"י שכבר כבס ביין הגלות שע"י עבודתנו בזמן הגלות לעורר את האהבה ושמחה של מצוה אתהפכא חשוכא לנהורא והוא תכלית של ימות המשיח כנ"ל:

زیرا کمالِ نهاییِ ایامِ مשיח و کمالِ مرتبة انسان (آدم, adam)، یعنی مرتبة کراه‌الغ (عירה, iroh) و مرتبة پسر، از آنجا حاصل می‌شود که او پیش‌تر در شراب تبعد شسته است: از راه خدمت ما در دوران تبعد، با برانگیختن عشق و شادی یک فرمان (מצוה, mitzvah)، تاریکی به نور بدل می‌شود؛ و این غایتِ نهاییِ ایامِ مשיח است، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayechi/3/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک